



می توانست آینده اش را تامین کند) مسعود به دلیل علاقه مندی اش به ریاضیات و هوش بسیار بالا آرام آرام از این صنف فاصله گرفت و فیزیک را برگزید. یاد می آید چند وقت قبل از شهادتش رفته بودم دندان پزشکی، پزشک معالج نتوانسته بود به درستی رنگ دندان من را هم رنگ دیگر دندان هایم درآور د این موضوع را به مسعود گفتم و او تصمیم گرفت تا مرا به دندانپزشکی ببرد در آنجا آنچنان با دقت جزئیات فرایند کاشت و همرنگ سازی دندان هار از پزشک سوال می کرد که گویی به این رشته علاقه مند است من از او پرسیدم این همه سوال و دقت برای یک کاری که تقریباً معمولی است برای چیست اما او به من گفت هر چیزی که در ظاهر عادی است ابعاد پیچیده ای دارد و دانستن این ابعاد فهم بهتر نسبت به آن موضوع را باعث می شود. هیچ وقت صرفاً به اخبار یک رسانه اکتفا نمی کرد و از منظر همه جریان های سیاسی و حتی اپوزیسیون موضوع را مورد بررسی قرار می داد، به گفته دوستانش، او کسی بود که معمولاً پیش بینی های بدون خطایی ارائه می داد به طوری که برخی نزدیکان و خویشاوندان به شوخی به وی می گفتند تو با مسئولان عالی رتبه نظام در ارتباط هستی و به همین خاطر اخبار ویژه ای را در اختیار داری اما واقعیت چیز دیگری بود. مسعود بسیار با هوش بود و نسبت به همه موضوعات پیرامونی خود دقت و تعمق مثال زدنی داشت. این دقت و ظرافت در رفتار با من و فرزندانمان، امین و الهام، هم دیده می شد، به یاد دارم وقتی که الهام می خواست مانتو تهیه کند از من و او درخواست داشت تا برای خرید مانتو نهایت سلیقه و ملاحظات حجاب اسلامی را داشته باشیم با این حال از ما می خواست بعد از تهیه چند مدل مورد نظر الهام، (تصویر) نمونه های انتخابی را به خانه ببریم تا او نیز نظر خود را نسبت به آن بدهد. یکی از تفریحات من و مسعود پیاده روی عصرگاهی در خیابان ولی عصر بود که معمولاً بخاطر علاقه مندی به آجیل شیرین با خوردن آجیل های شیرینی که مسعود خریداری می کرد همراه بود، علی رغم آنکه زمانی که با خانواده بود در نقش مرد خانه ظاهر می شد اما گاه به دلیل حساسیت هایی که کارش داشت، بخصوص آن بعد کاری که پنهان بود ساعاتی در منزل نیز به کار می پرداخت.

#### آیا شما به حساسیت برخی ابعاد فعالیت محرمانه وی آگاهی داشتید؟

من از همان شروع فعالیت مسعود با سازمان انرژی هسته ای از حساسیت کار مسعود آگاهی یافته بودم، او نیز من را نسبت به این موضوع آگاه کرده بود منتها اینگونه نبود که از ریز فعالیت علمی و برنامه های کاری وی مطلع باشم، یعنی به طور کلی این اجازه را به ما نمی داد تا در کارهایی که انجام می دهد سرک بکشیم و این منع مسعود هم دلیل کاملاً منطقی داشت، چرا که وی اعتقاد داشت هر چقدر از ریز کارهای من کمتر اطلاع داشته باشی در صورت قرار گرفتن در موقعیت تهدید آسیب کمتری می بینی. او می گفت اگر دشمنان خدای نکرده بخواهند برای تخلیه اطلاعات علمی من از تو استفاده کنند در اولین اقدام متوجه خواهند شد که تو از بسیاری مطالب بی اطلاعی از این رو آسیب کمتری خواهی دید به همین خاطر زمانی که پاکت های حاوی مطالب تحقیقاتی هسته ای را برای بررسی و پژوهش به خانه می آورد به شوخی می گفت چیز مهمی داخل آن نیست فقط به دلیل اینکه در مرکزی که کار می کنیم مهر محرمانه زیاد تولید شده است پشت و روی این بسته هار امهور به این کلمه می کنند ولی با همان زبان طنز از ما می خواست که به این وسایل نزدیک نشویم.

#### آیا تهدیداتی که پیش از شهادت ایشان از سوی رژیم صهیونیستی اعلام شده بود و برخی اخبار مبنی بر احتمال ترور دانشمندان هسته ای شما و خانواده را نگران نمی کرد؟

این موضوع هم از آن مسائلی بود که باعث احتیاط بیش از حد مسعود و واهمه من شده بود حتی گاه این مسئله من را دچار حساسیت بی مورد کرده بود، باز در این زمینه به یاد دارم که زمانی که بخاطر توصیه های مکرر مسعود نسبت به مردی که چند روزی در یکی از ساختمان های نزدیکی منزلمان مشغول نقاشی بود احساس خطر کرده بودم وی به من گفت احتیاط خوب است اما

قرار نیست هر چیزی باعث ترس تو بشود یک بار دیگر زمانی که از بیرون به خانه آمدم متوجه شدم صدایی از داخل خانه می آید با ترس به داخل خانه آمدم و متوجه شدم ماشین رختشویی روشن است با ترس و وحشت طوری که اگر کسی داخل خانه مخفی شده است تصور کند من تنها نیستم شروع کردم به صحبت کردن با خودم بلافاصله به مسعود تلفن زدم و به او ماجرا را گفتم اما مسعود با خنده به من گفت امین زمین افتاده و شلوارش کثیف شده به همین خاطر به خانه آمده و شلوارش را در ماشین لباسشویی انداخته به من هم رنگ زده و موضوع را گفته است، یا روزی دیگر وقتی که در ب منزل را از داخل باز کردم متوجه شدم یک سکه از لای در خانه به زمین افتاده بلافاصله به مسعود رنگ زدم چرا که در آن زمان مسعود کتابی به من داده بود تا مطالعه کنم که در آن به موضوع ترور دانشمندان عراقی پرداخته بود و در جایی از آن به قرار دادن سکه لای در برای باخبر شدن از زمان باز کردن آن به واسطه ایجاد صدا توضیح داده بود. من به مسعود رنگ زدم و موضوع را توضیح دادم، مسعود با گفتن این جمله که «حسابی کار آگاه بازی می کنی و خانم مارپل شدی» به من گفت که ترست بی مورد است اما واقعیت این بود که همیشه مسعود جانب احتیاط را رعایت می کرد ولی علاقه نداشت ماتحت تاثیر این مسائل قرار بگیریم.

#### آیا غیر از شما و اعضای خانواده افراد دیگری از حساسیت شغل شهید علی محمدی آگاهی داشتند؟

نه عمده اقوام و حتی دوستان نزدیک تصور می کردند مسعود فقط تدریس می کند، با وجود اینکه وی نیز بسیار مردمی بود و سعی می کرد در ارتباطاتش با دیگران همانند روحیات مخاطبانش رفتار کند همین موضوع باعث شده بود که بسیاری از آشنایان پس از شهادت وی متعجب و غافلگیر بشوند لازم است در تعریف شخصیت اجتماعی شهید این خاطره را بگویم که روزی به همراه شهید به خانه خواهرم یعنی باحناق مسعود که فردی کارخانه دار است رفتیم در میانه مهمانی باحناق ایشان و برادرش در مورد تاسیسات شفاژ بحث می کردند که در بین صحبت آن ها ظاهر امسعود نیز بخاطر اینکه ذهن فنی خوبی داشت نظری داده بود برادر زاده باحناق مسعود به وی گفت عذر می خواهم شما شغلتان چیست مسعود با اعتماد به نفس گفت تاسیساتی. می خواهم بگویم مسعود اینگونه رفتار می کرد به همین خاطر عمده آشنایان از حساسیت بالای کار مسعود بی اطلاع بودند.

#### گرچه بر اساس اصل مسلم مکتب اسلام شهید مسعود در نزد خداوند زنده و شاهد است اما طی این ۵ سالی که شهید علی محمدی در بین ما نیست، دوست داشتید وی در چه لحظه هایی از زندگیتان حضور داشت؟

مسعود علاقه زیادی داشت تا امین از دواج کند حتی منزلی با



این هدف برای پسرمان تهیه کرده بود از او خواست به خدمت سربازی برود تا هر چه زودتر زندگی اش سر و سامان یابد، دل بستگی شدیدی به الهام داشت، و بطوری که به رغم خستگی کار با آمدن به منزل با مهربانی و شوخ طبعی با وی رفتار می کرد به یاد دارم زمانی که سریال شبهای برره را از تلویزیون پخش می کرد این پدر و دختر با هم به زبان برره ای حرف می زدند، حالا ۵ سال است که مسعود رفته است امین و الهام از دواج کرده اند و به لطف خداوند در آغاز فروردین دختر الهام به دنیا خواهد آمد، همان نوه ای که مسعود همواره آرزوی دیدنش را داشت به طوری که هر وقت برای پیاده روی با هم بیرون می رفتیم به من می گفت کم کم باید به لطف خدا موقعیتی ایجاد شود تا شکلات خوردن و پیاده روی را با نوه ها داشته باشیم.

آن چیز که همواره باعث ناراحتی من است این بود که وی نسبت به خانواده اش حساسیت زیادی داشت و حالا که شهید شده یادش آرامش بخش زندگیمان است.

#### چرا برای تحصیل به خارج از کشور نرفت؟

مسعود به کشور، نظام و انقلاب بسیار وفادار بود و نظام را متعلق به خود می دانست حساسیت بالایی نسبت به نظام داشت و حتی نسبت به حضور خود در صحنه هایی مثل راهپیمایی ۲۲ بهمن مقید بود گرچه برخی سیاستمداران داخلی نسبت به وی بی انصافی هایی داشتند که نه واقعیت داشت و نه قابل باور اما ملاحظه کردید که با گذشت یک سال از شهادت مسعود آرام آرام واقعیت ها نمایان شد. این راه بگویم که اغراق و سانسور برخی ابعاد شخصیتی این شهید با هدف مصادره به مطلوب کردن نام آن از برای جناح های مختلف سیاسی از همان لحظه شهادت مسعود در فضای به شدت سیاسی شده سال ۸۸ آغاز و همین امر نیز موجب شد تا برجستگی های واقعی شخصیت این شهید بیش از یک سال مهجور و مستور بماند به طوری که با اعلام خبر شهادت دیگر دانشمندان هسته ای بود که بار دیگر به این شهید پرداخته شد.

#### می توانید این مصادره کردن هاراقدری توضیح دهید؟

اینکه مسعود را برخی رسانه ها و محافل اصلاح طلب دانستند تشخیص درستی بود گرچه من بر سر همین تشخیص هم بحث دارم چرا که برخلاف برخی ادعاهایی که نسبت به شخصیت وی این محافل داشتند مسعود فقط و فقط سلیقه اصلاح طلبانه آن هم بسیار معتدل و به دور از هر گونه افراط و تفریط داشت منتها عقیده اش اینگونه بود و گاه حتی در زمان انتخابات ابراز می کرد که اگر فلان شخص انتخاب شود برای پیشبرد اهداف عالی نظام مناسب تر عمل خواهد کرد. شاید شخص بنده در مقایسه با مسعود نسبت به مسائل سیاسی در آن زمان پر حرارت تر ظاهر می شدم و جالب است که بدانید جو خانه ما قدری باز بود که حتی در زمان انتخابات ۸۸ پسر من امین سلیقه سیاسی مطابق با ماند داشت، با این حال برخی اظهارات غیر واقعی نسبت به گرایشات سیاسی مسعود در کنار انتشار مطالبی خلاف واقع از جمله ارائه وصیت نامه جعلی از شهید علی محمدی در یکی از سایت های خبری مشهور در حالی که مسعود اصلاً وصیت نامه مکتوبی از خود به جا نگذاشته است از جمله این مصادره کردن ها و بی مهری های صورت گرفته نسبت به این شهید در آن برهه زمانی بود.

#### چه انگیزه ای باعث شد تا در اجلاس هایی مانند پاریس و ژنو که در رابطه با مقابله با تروریسم و ایجاد صلح جهانی بود شرکت کنید؟

به نظر من راهی که مسعود و دیگر شهدای هسته ای شروع کرده اند باید ادامه یابد، خوشبختانه در بُعد علمی جوانان و نخبگان بسیاری حضور دارند که ادامه دهند این راه هستند اما از بُعد فرهنگی و تبلیغاتی همه ما از جمله شما که به عنوان خبرنگار در تبیین شخصیت این شهید سهیم شده اید وظیفه ای بر دوش داریم، بر این اساس اعتقاد دارم در حوزه تبلیغ جهانی صلح آمیز بودن فناوری هسته ای جمهوری اسلامی و تبیین مظلومیت شهدای انقلاب اسلامی بخصوص قربانیان ترور مسئولیتی بر دوش دارم از این رو در هر زمینه فعالیتی که در این عرصه باشد استفاده می کنم.

